

گوش کن، چون حلقه اندر گوش کن

فریده عصاره

جلوه‌هایی از هدف‌های گوش دادن در برنامه‌ی زبان‌آموزی پیش‌دبستان



اشاره

برخی می‌اندیشند، کودکی که زبان مادری او فارسی است و در روند رشد طبیعی، زبان را از محیط زندگی خود فراگرفته است، و به طرق شفاهی می‌تواند ارتباط برقرار کند، وقتی در چرخه‌ی آموزش پیش‌دبستانی و دبستانی قرار می‌گیرد، دیگر سوادآموزی (خواندن و نوشتن) برای او کافی است! در حالی که نیاز است، کودک به‌ویژه در پیش‌دبستانی، هم از حیث زبانی و هم از مقوله‌ی ادبی، در حوزه‌ی وجه شفاهی زبان (گوش دادن و گفتن) رشد و توسعه یابد. برآنیم در سه شماره‌ی متوالی از این مجله، سه مقاله در باب مهارت‌های گوش‌دادن و گفت‌وگو و رشد خلاقیت زبانی و ادبی که اساس برنامه‌ی درسی پیش‌دبستان است، تقدیم شما کنیم. در این شماره، درباره‌ی تقویت و توسعه‌ی گوش‌دادن و اهدافی که در این ارتباط در راستای برنامه‌ی درسی پیش‌دبستان است، نکته‌هایی ذکر شده‌اند.



تقویت و توسعه‌ی گوش دادن

اگرچه کودک در مراودات خود عمل شنیدن را بدون این که از کسی یاد بگیرد، انجام می‌دهد، اما این کار، گوش دادن نیست، جهت‌دار نیست، طبیعی و خودروست. گوش دادن با شنیدن فرق می‌کند. در اغلب زبان‌ها برای این دو امر دو واژه‌ی متفاوت دارند. گوش دادن چیزی بیش از حضور فیزیکی و سکوت در برابر مربی است. گوش دادن ابزاری برای یادگیری و در خدمت آموزش است. شکلی از ارتباط است. یکی از مهارت‌های زبان‌آموزی و زیربنای آن است. لازم است، در پیش‌دبستان به آن توجه شود تا در ابتدایی و دوره‌های دیگر تحصیلی، از این ابزار در یادگیری استفاده شود. ناتوانی در گوش دادن، مانع رشد علمی و اجتماعی فرد و موجب شکست تحصیلی وی می‌شود.

گوش دادن یاد گرفتنی است. کودک باید چگونه گوش دادن را یاد بگیرد. بیاموزد به هنگام گوش دادن به سخنان دیگران، تمرکز حواس داشته باشد، توجه و دقت بیشتری از خود نشان دهد، صبر کند تا سخن گوینده تمام نشده، حرفش را قطع نکند و مطلب خود را آغاز نکند. چه بسیارند بزرگسالانی که پس از شنیدن چند جمله از دیگران، حواسشان پرت و به کلی از مطلب دور می‌شوند. از آن‌جا که بسیاری از کودکان بیشتر ترجیح می‌دهند صحبت کنند تا گوش دهند، بهتر است ابتدا اجازه‌ی صحبت کردن به آن‌ها داده شود، زیرا تا زمانی که این افکار در ذهنشان مرور می‌شود، جایی برای گوش دادن آن‌ها نمی‌ماند.

هدف‌های تقویت گوش دادن (الف) درک و دریافت

اولین مرحله‌ی گوش دادن با توجه، دقت و تمرکز روی سخنان گوینده آغاز می‌شود. وقتی پیام دریافت و در ذهن پردازش شد و اطلاعات آن جذب دانش پیشین فرد گردید، درک از طریق شنیدن صورت می‌گیرد. درک و دریافت نقش مهمی در یادگیری دارد. ارائه‌ی فعالیت‌هایی از جانب مربی در کلاس، کودکان را برای پذیرش و اجرای دستورالعمل‌ها و برای یادگیری مهیا می‌کند.

برای تحقق این هدف پیشنهاد می‌شود، در ارتقای توجه، دقت و تمرکز کودکان، هم به جنبه‌های غیرزبانی و هم به موارد زبانی اهتمام شود. برای مثال:

۱. به صدای پدیده‌های طبیعت (مانند آب، باد، باران، رعدوبرق، و غیره)، صدای اشیای صدادار محیط اطراف (هواپیما، تلفن، اتومبیل، رادیو و...)، صدای افراد گوناگون در حالات روحی متفاوت (گریه، خنده، قهقهه، صداهای آهسته مانند نجوا و صدای بلند مانند فریاد)، صدای مردان، زنان، کودکان، جوانان و پیران و صدای حیوانات، با دقت گوش کنند. از این طریق، قدرت تشخیص کودکان در شناسایی هر کدام از صداها بالا می‌رود و می‌توانند آن‌ها را از هم تمیز دهند.
۲. چند صدا را به‌طور هم‌زمان گوش کنند و فقط یکی از آن‌ها را گزینش و بر آن تمرکز کنند. مثلاً از بین صداهای قطار، هلیکوپتر و اتومبیل، فقط صدای قطار را انتخاب و به آن گوش کنند. سپس صدایش را تقلید و در کلاس بیان کنند.
۳. صدای زیر را از بم و صدای بلند را از آهسته جدا کنند.
۴. صدای زبانی (گفتاری) را از غیر زبانی جدا کنند.
۵. صدای آشنا را از غیر آشنا و پیر را از جوان تمیز دهند.
۶. منبع و جهت صدا را ردیابی کنند. با چشمان بسته منبع صدا، و دوری و نزدیکی آن را تشخیص دهند.

کودک پنج ساله‌ای که به مرکز پیش‌دبستانی پا می‌گذارد، غالباً بر بنیان اصلی زبان مادری خود تسلط دارد. آن را با استفاده از دستگاه فراگیری زبان که خداوند در فطرت او نهاده، از اطرافیان فراگرفته است، بر نظام صوتی و آوایی تسلط دارد و بین آواهای گفتار تمیز قائل می‌شود. تکیه‌ی کلمات و مکث‌های لازم را درک می‌کند و به کار می‌برد. بسیاری از کلمه‌ها را با تلفظ صحیح بیان می‌کند. به نسبت فرصت‌هایی که در محیط اجتماعی در اختیارش گذاشته شده‌اند، متناسب با محرک‌هایی که در معرضشان قرار گرفته است و به نسبت ویژگی سنی و شناختی خود، خزانه‌ای از واژگان را دارد و با استفاده از این واژگان و الگوهای دستوری خود، گفته‌های دیگران را می‌فهمد و منظور خود را به دیگران می‌رساند.

حال که کودک شاکله‌ی اصلی زبان را در خود دارد و با همین مقدار توانش زبانی و ارتباطی، می‌تواند نیازهای روزمره‌ی خود را برآورده کند، با اعضای خانواده، هم‌سالان و آشنایان گفت‌وگو کند و منظور آن‌ها را بفهمد، و دیگران را از احساسات و عواطفش مطلع کند. برخی از برنامه‌های رادیو و تلویزیون را که می‌بیند و می‌شنود و یا کتاب‌های قصه و یا علمی را که برایش می‌خوانند، می‌فهمد و درباره‌ی آن‌ها قدری صحبت می‌کند. پس وظیفه‌ی مراکز پیش‌دبستانی نسبت به زبان مادری چیست؟ مربی چه نقش آموزشی و تربیتی برای زبان‌آموزی کودک می‌تواند داشته باشد؟ آیا همین حد و مقداری را که بدون هیچ آموزشی و به طور طبیعی از والدین، هم‌سالان و سایرین فراگرفته است و نیازهای فعلی او را برآورده می‌کند، برایش کافی است؟

مسلم است، این حد از توانش زبانی و ارتباطی در این حلقه‌ی محدود اجتماعی، نیازهایش را برآورده می‌کند. ولی در ماورای این حلقه‌ی اجتماعی و ماورای این سطح علمی، ادبی، اجتماعی - فرهنگی، درمانده می‌شود. او نیاز دارد حلقه‌ی اجتماعی خود را گسترده‌تر کند و با قشرها و طبقات اجتماعی بیشتری معاشرت داشته باشد، گونه‌های زبانی بیشتری را یاد بگیرد، و دانش و اطلاعات بیشتری را که می‌شنود، بفهمد و به‌خاطر سپارد.

بر این اساس، وظیفه‌ی مراکز پیش‌دبستانی، هم تقویت، توسعه و گسترش آن حد از توانش زبانی و ارتباطی است که کودک از زبان مادری دارد و هم آموزش و تربیت آن خرده مهارت‌هایی که هنوز به دست نیاورده است. در این مقاله، به چند هدف از اهداف گوش دادن و نیز فعالیت‌هایی که موجب تقویت، توسعه و تحقق آن‌ها می‌شود، اشاره شده است. شایان ذکر است، در دوره‌ی پیش‌دبستانی که نوع آموزش غیرمستقیم و مبتنی بر آزادی و علائق کودکان است، رسیدن به حد نهایی هدف موردنظر نیست، بلکه بیشتر در نظر است تا کودکان در فرایند و جریان آموزش قرار گیرند و زمینه‌هایی در آن‌ها ایجاد شود.

ت) التذاذ و حظ سمعی

نکته‌ی مهم دیگر، ارتقای گوش دادن التذاذی در کودکان است. به عبارت دیگر، معطوف کردن توجه کودکان به شنیدنی‌های گوش‌نواز و به هر آنچه که احساس خوشایندی از شنیدنش حاصل می‌شود؛ مانند زیبایی‌های موجود در متن‌هایی که می‌شنود، هم چون اشعار و آثار منظومی که برایش خوانده می‌شوند. جلب توجه وی به موسیقی نهفته در اشعار، به موزونی و ریتمیک بودن آنها، به قافیه‌ها و ردیف‌ها برای لذت بردن از زیبایی اشعار به سرودهایی که دسته‌جمعی اجرا می‌شوند، به صورت خوش آیات قرآن که با نغمه‌ی زیبایش گوش را می‌نوازند، گوش دادن را تقویت می‌کند. همچنین است، جلب توجه، دقت و تمرکز کردن بر اصوات طبیعت مانند: صدای آواز پرندگان، صدای آب به صور گوناگون (آبی که از چشمه می‌جوشد، در رودخانه جاری است، از آبشار فرو می‌ریزد، و صدای شرشر باران)، صدای نسیم که از میان شاخه‌های درختان عبور می‌کند و ... که هر کدام ریتم خاص خود را دارد.

به یاری خداوند متعال، در شماره‌ی بعد، مقاله‌ی درباره‌ی «مهارت گفت‌وگو» خواهیم داشت.

۷. به سخنان دیگران به دقت گوش، و درک و دریافت‌های خود را بیان کنند.

۸. به لحن و آهنگ کلام دقت کنند.

۹. از دو یا سه دستورالعمل پیروی کنند و آنها را با توالی صحیح انجام دهند.

۱۰. صدای آخر کلمات را تشخیص دهند.

۱۱. گروهی از کلمات هم بافت را به خاطر بسپارند و آنها را بیان کنند؛ مانند: سفر، قطار، چمدان، جاده، گردش، تفریح و ... می‌توان چند کلمه‌ی غیرمرتبط را نیز در نظر گرفت.

۱۲. صداهایی را که می‌شنوند، نقاشی کنند یا برای آنها قصه‌ی بسازند.

ب) تقویت حافظه‌ی سمعی

حافظه‌ی سمعی نوعی توانایی ذهنی و از جمله مواردی است که تمرین و پرورش آن ضروری است. لازم است حافظه‌ی سمعی کودک را متناسب با ظرفیت ذهنی و متناسب با گنجایشی که در ارتباط با زمان توجه بر فعالیت‌ها (۱۰-۱۵ دقیقه) دارد، توسعه داد و به او کمک کرد تا مطالبی را که می‌شنود، در حد گنجایش ذهنی و توان شناختی خود، در ذهن نگه دارد.

چه بسپارند بزرگسالانی که هنگام گوش دادن به سخنان گوینده، جمله‌های آغازین وی را فراموش می‌کنند، رشته‌ی کلام گوینده را از دست می‌دهند، و مطالبی که به حافظه سپرده‌اند، از هم گسیخته است. مواردی که در بالا ذکر شد، همگی در تقویت و ارتقای حافظه‌ی سمعی کودک مؤثرند. زیرا همه‌ی آنها به درک، به خاطر سپاری، پردازش، و تحلیل و تفسیر پیام‌های زبانی و غیرزبانی کمک می‌کنند.

پ) دریافت هسته‌ی معنایی پیام

نکته‌ی بسیار مهم دیگر در گوش دادن که به آموزش نیاز دارد، دریافت هسته‌ی معنایی پیام گوینده یا لب اصلی کلام اوست. کودک به تمرین نیاز دارد تا بتواند نقطه‌نظرات گوینده را درک کند و بین پیام‌های کلامی و غیرکلامی ارتباط برقرار کند تا به اخذ جان کلام سخن گوینده نایل شود.

۱. به چند نکته‌ی اصلی از سخن گوینده اشاره کنند.
۲. خلاصه‌ای از قصه‌ی را که مربی برایشان گفته و یا خوانده است، تعریف کنند.
۳. برای قصه‌ها و یا خاطره‌هایی که می‌شنوند، عنوانی انتخاب کنند.
۴. درباره‌ی مطلب، خاطره و با قصه‌ی که مربی در کلاس بیان می‌کند، نقشی ایفا نمایند.

۵. ترتیب و توالی رویدادها و اتفاق‌هایی را که در قصه‌های متناسب با سنشان به‌وقوع پیوسته است، تشخیص دهند.

این موارد در دوره‌ی کودکی نیازمند آموزش از نوع غیرمستقیم است تا کودک در سایه‌ی این فعالیت‌ها، برای این که شنونده‌ی خوبی شود، تمرین کند. مهارت پیدا کردن در خرده مهارت‌های گوش‌دادن، کودک را در برقراری ارتباط مؤثر با دیگران یاری می‌دهد، توفیق او را در ایجاد تفهیم و تفاهم بالا می‌برد، موجب دوستی و صمیمیت بین او و همسالانش می‌شود و به دوستی‌هایش استحکام می‌بخشد. یادگیری و پردازش اطلاعات نیز در ذهن کودک آسان می‌شود.

